

آنچه انجام شده است ...

از شروع ریاست آیت الله رئیسی بر قوه قضائیه در پانزده اسفندماه سال ۱۳۹۷، تلاش‌های زیادی به منظور تحول در قوه قضائیه انجام شده است. یکی از مسائل مهمی که به نظر نگارنده از شروط اولیه ایجاد تحول می‌باشد، **تغییر در سبک مدیریت قوه** بوده است. به عبارت دیگر، مدیریت قوه قضائیه از زمان آقای یزدی، به شکل یکسان و یکنواختی انجام شده است هرچند با خلاقیت‌های مربوط به هر دوره، لکن سبک مدیریتی روند یکنواختی را طی کرده بود، که با ورود آقای رئیسی، چابکی در مدیریت را به وضوح می‌توان دید. شناخت درست جامعه و نیازهای آن، تعامل درست و سازنده با سایر قوا، مدیریت هوشمندانه و حکیمانه و به دور از عصبانیت‌های سیاسی^۱، توجه ویژه به جوانان و مدیریت آنها، تلاش در بهبود تصویر قوه قضائیه و ارتقای این تصویر در نزد افکار عمومی و... را می‌توان از اتفاقات نیک تغییر سبک مدیریتی در این برهه دانست. اتفاق مثبت دیگر، ایجاد امید در مردم است. فعالیت‌های قوه در این مدت، به شدت امید را در مردم زنده نگه داشته است.

توجه به عملکرد و احصای آنها از حوصله این نوشته خارج است و عنوان ذکر شده صرفاً از باب مثال بود زیرا که برای نگارنده این مسئله، اهمیت بسیار زیادی داشته و اولین قدم در تحول، همین تغییر نگاه در مدیریت است. اما به نظر می‌رسد برای تحول در سازمانی به عظمت قوه قضائیه، هنوز راه زیاد است و با توجه به سند تحول قضایی و نیز انتظاری که از توان مدیریتی آقای رئیسی وجود دارد، انتظارها هنوز آنچنان که باید برآورده نشده است.

تغییر نگاه در تعریف قوه قضائیه

قوه قضائیه، همیشه نماد مسئله قضاء در کشور بوده و مسئولین آن نیز صرفاً اهتمام به اصلاح ساختارهای قضایی و یا توجه به مشکلات حوزه دادگاه‌ها مانند حجم پرونده‌ها، جمعیت کیفری و... داشته‌اند. حال آن‌که به موجب اصل صد و پنجاه و شش قانون اساسی، **محکمه‌داری** یکی از وظایف این نهاد بوده و تولی‌گری وظایفی چون حمایت از حقوق عامه، پیشگیری از جرم، و نظارت نیز برعهده قوه قضائیه است. از همین رو، مشکلات قوه قضائیه در این سال‌ها حل نشده زیرا همه تلاش‌های مسئولین امر معطوف به یک چهارم این

وظیفه بوده غافل از آنکه توجه درست و متناسب به سایر وظایف، مشکلات در عرصه محکمه‌داری را نیز برطرف می‌کند.

نکته دیگری که باید متذکر شد این است که مراقب روزمرگی باید بود. در واقع باید نسبت به این مسئله دقت کرد که بعد از مدتی دچار روزمرگی‌های اداره سازمان شده و از شعارهای تحولی خود باز خواهیم ماند. از همین رو، جرقه‌های تحول باید از همین الآن زده شوند تا در سال‌های بعدی به جای دچار شدن به روزمرگی، در حال تکمیل مسیرهای تحولی باشیم.

تصویر قوه قضائیه

یکی از مسائلی که باید دقت کرد که مسائلی مانند عدالت و امنیت، یک جنبه واقعی دارند و یک جنبه حس کردنی. در واقع ممکن است که طبق شاخص‌ها و استانداردهای پیش‌بینی شده، عدالت و امنیت، برقرار باشد ولی مردم چنین حسی نداشته باشند، مثلاً بخاطر بروز یک سرقت در محله زندگی آنها و مسائلی از این دست. این حس نیز بخاطر تصویری است که وجود دارد. مثلاً فردی بخاطر یک مسئله‌ای مانند چک مراجعه می‌کند به دادگستری و حتی در این فرض ممکن است که به حق خود نیز دست پیدا کند ولی بخاطر چیزهایی که در این مدت می‌بیند، حس عدالت از این جلسات دادگاه و مخاکمه نداشته باشد. حال سؤال این است که این حس بی‌عدالتی این فرد در حالی که به حق و حقوق خود نیز دست پیدا کرده، از کجا آمده است؟ پاسخ در مسئله **تصویر** هست. یعنی از چیزهایی که در این مدت مشاهده کرده، چیزی در وی به وجود آمده که ورای آن چیزی است که شاید در عمل اتفاق می‌افتد.

۱-۳. تصویر مطلوب قوه قضائیه

آنچه در ادامه خواهد آمد، نتیجه تحقیق موضوعی جرم در قرآن کریم است که توسط اعضای حلقه مطالعات جرم‌شناختی و عدالت کیفری مرکز رشد انجام شده و پشتوانه قرآنی مسائل ذکر شده نیز موجود می‌باشد. در آیات قرآنی، هر وقت که روی سخن با مجرمین بوده و سخن از مجازات به میان می‌آید، صفاتی برای توصیف خدا استفاده شده و خداوند متعال خود را **حکیم، علیم، سمیع و مقتدر** معرفی می‌کند.

حکیم

سیستم قضایی ما باید در برخوردها و رفتارهای خود به گونه‌ای باشد که مردم رفتارهای این سیستم، تصمیمات و حتی انتصابات آن را **حکیمانه** قلمداد کند. این حکمت، باعث می‌شود که مردم بتوانند به حکمت سیستم اعتماد کرده و در جایی هم که مسئله‌ای به نفع وی نباشد، قانع شده و پذیرای تصمیم گرفته شده باشد.

به نظر می‌رسد که در اغلب موارد، علت عدم تمکین نسبت به احکام و آرای قضایی، این است مردم نسبت به حکمت و درستی آن تردید دارند.

علیم

به خاطر تبلیغات نادرست و بعضاً درست، که وکلا نقش اساسی در ارائه این تصویر دارند، مردم معتقد هستند که قضات دادگاه، از علم کافی برخوردار نیستند. وجود چنین تصویری، باعث می‌شود که نسبت به درستی احکام تردید کرده و در هر حال، حتی اگر حکم به نفع آنها نیز باشد، احساس ظلم و ناعدالتی داشته باشند.

البته باید این مسئله را نیز در نظر گرفت که ضمن دقت در جذب افراد عالم در سیستم قضایی، نسبت به ارتقای کارآمدی و علمی آنها در طول دوران خدمت نیز توجه کافی وجود داشته باشد تا خدای نکرده در تصمیمات و آرای صادر شده، شاهد مشکلاتی از این دست که بعضاً مورد شکایت مردم نیز هست، نباشیم.

سمیع

قوه قضائیه، باید پناهگاه مردم باشد چرا که گاهی، مردم صرفاً یک گوش شنوا می‌خواهند تا آلام آنها التیام یابد. این شنوایی، گاهی در ورود مدعی‌العموم به مسائل مورد ابتلای مردم هست که مردم متوجه می‌شوند که سیستم قضایی درد آنها را می‌فهمد و احساس ظلم و ناعدالتی نمی‌کنند.

گاهی نیز این شنوا بودن، در محاکم قضایی صورت می‌گیرد این‌که قضات وقت کافی برای شنیدن حرف دل مردم داشته باشند.

مقتدر

وجود تصویر اقتدار در قوه قضائیه، منذر و بازدارنده است. یکی از وجوه اصلی چنین تصویری، **برخورد درست، قاطع و به موقع** هست. یکی